

چهل حدیث در احکام بانوان

ترجمه: الأربعون النسائية

تألیف:

محمد بن شاکر الشریف

ترجمه:

اسحاق دبیری /



سنی بوک – کتابخانہ مجازی اہل سنت

www.SunniBook.net

فهرست مطالب

7	مقدمه مترجم
8	مقدمه مؤلف
	[باب ماندن زن در خانه‌اش بهتر از خارج شدن از آن است، حتی اگر هم بسوی مسجد
9	باشد]
9	[باب جایز بودن خروج زنان برای قضای حاجت خود]
9	[باب اینکه خروج زن از خانه باعث مفسده و فتنه خواهد شد]
	[باب اینکه نباید زن از خانه‌اش بیرون رود مگر به اجازه شوهر، و اگر اجازه نداد درست
10	نیست خارج شود]
	[باب منع کردن زن از استعمال عطر و بوی خوش هنگام بیرون رفتن او به سوی مسجد و
10	غیر از مسجد]
	[باب منع کردن زنان از اظهار و آشکار نمودن زینت و آرایش هنگام بیرون رفتن از خانه]
11	
12	[باب نهی و منع کردن زنان از سفر بدون محرم]
12	[باب: اینکه بایستی در مسجد دروازه‌ای مخصوص و ویژه زنان باشد]
12	[باب: برای زنان رفتن به وسط و میان راه جایز نیست]
13	[باب: طواف کردن زنان بدون اختلاط و آمیزش با زنان]
14	[باب: منع کردن مردان از داخل شدن به زنان نامحرم]
	[باب: مجالس و کلاس درس مخصوص زنان در جای مستقل از مردان در وقت احتیاج به
14	آن]
15	[باب: جنازه را مردان حمل میکنند نه زنان]
15	[باب: منع کردن زنان از دخول به استخر شنا و مانند آن]
	[نهی کردن زن از اینکه برهنه خود را به زن دیگری بپسپاند، و اینکه زن برای شوهرش
16	زنان دیگر را توصیف نماید]
16	[باب منع کردن زن از سخن در مقابل مردان نامحرم، مگر در وقت ضرورت]

-
- [باب: حرام بودن نیاخت و واویلا هنگام فوت کردن شخص، و جایز بودن گریه]..... 17
- [باب: جایز بودن سلام مرد بر زن، و سلام زن بر مرد هنگامی که از فتنه ایمن باشد]..... 17
- [باب: جایز بودن سخن گفتن مردان با زنان، و زنان با مردان هنگام ضرورت بدون هیچ شک و تردید]..... 18
- [باب: جایز بودن اینکه زن خود را بر مرد صالح عرضه کرده و درخواست ازدواج با او کند]..... 18
- [باب: اینکه زن را نباید مجبور کرد با کسی که او را نمی خواهد به ازدواج در آورد، و اگر ولی و سرپرست او بطور اجبار او را با کسی که نمی خواهد به ازدواج بیرون آورد، ازدواج او باطل است]..... 19
- [باب: جایز نیست که زن هنگام ازدواج شرط بگذارد که بعد از مرگ شوهرش ازدواج نکند]..... 19
- [باب: حرام بودن اینکه زن از شوهرش بدون هیچ سبب طلاق یا خلع بخواهد]..... 20
- [باب: جایز بودن سرود دخترهای کوچک و دپ زدن هنگام عروسی و مانند این و گوش کردن مردها به آن]..... 20
- [باب: اینکه حق شوهر بر همسر خود بسیار است]..... 21
- [باب: فرشتگان زنی که در شب فراش شوهرش را ترک می کند او را لعنت می کنند تا اینکه صبح کند]..... 21
- [باب: تحریم کفران العشیر (کفر ورزیدن به نعمتهای شوهر)]..... 22
- [باب: اگر شوهر همسر خود را به معصیت و گناهی دعوت نمود، باید زن از آن گناه اجتناب ورزیده و دعوت او را قبول نکند]..... 22
- [باب: اینکه جایز نیست که زن از مال خود هدیه دهد مگر به اجازه شوهرش]..... 23
- [باب: خدمتکاری زن به شوهر و کسانی که شوهر سرپرستی آنها را به عهده دارد]..... 24
- [باب: واجب بودن نفقه زن و فرزندانش بر شوهر]..... 25
- [باب: تحریم تغییر دادن خلق و آفریده خدا برای خوشگلی و زینت و آرایش]..... 25

- [باب: منع کردن زن از پوشیدن لباسهای تنگ که حجم جسم را نمایان می‌کند، و از لباسهای شفاف که جسم را آشکار می‌نماید، و از لباسهای کوتاه که تمامی جسم را نمی‌پوشاند، و از جمع کردن مو بر بالای سر (کاکل) و حرام بودن همه اینها]..... 26
- [باب: نهی کردن زن از رساندن موهای غیر، و موهای جعلی آوردن و زیاد کردن مو با آن موهای دروغین و بیان اینکه این عمل از اخلاق یهودیان است]..... 27
- [باب: نهی زنان در جعلی کردن لباس و تظاهر به آنچه به آنها داده نشده]..... 28
- [باب پوشیدن زنان کفشهای بلند و بیان اینکه این عمل از کردار زنان یهود است]..... 29
- [باب: نهی کردن زن از اینکه موی سر خود را در حج و غیر از حج بتراشد]..... 29
- [باب: رنگ کردن دستها و پاهای زن]..... 30
- [باب: پوشاندن زن صورت خود را در حضور مردان نامحرم، ولی اگر مرد نامحرم نبود جایز است صورت خود را نمایان کند]..... 30
- [باب: برای زن پوشیدن لباس حریر (أبریشم) و طلا جایز است]..... 31
- [باب: پوشیدن لباس معصفر و مانند آن برای زنان مباح است]..... 31
- [باب: بر حذر داشتن زنان از نمایان کردن زینت و آرایش خود برای مردان نامحرم، طلا و لباسی که با رنگ (معصفر) سرخ و زرد و مانند آن باشد]..... 32
- [باب حرام بودن تشبیه زن با مردان در لباس و حرکت و سخن و مانند اینها]..... 32

مقدمه مترجم

الحمد لله الذي خلق الزوجين الذكر والأنثى والصلاة والسلام على القائل: خيركم خيركم لأهله وأنا خيركم لأهلي وعلى آله وصحبه أجمعين. وبعد:

زن در اسلام نقش مهمی را ایفاء می‌کند، بعضی از امتهای قبل هیچ حقی را برای زن قائل نبودند، و حق او را از او سلب می‌کردند، ولی اسلام تمامی حقوق مشروع را به زن بازگرداند.

زن نصف جامعه اسلام و بشریت را داراست، او مادر، خواهر، دختر، و و و می‌باشد. در قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم - هر خطابی که بر مرد می‌شود، زن نیز شامل آن است، و هیچ فرقی بین زن و مرد در شریعت اسلام وجود ندارد، تنها فرقی که بین زن و مرد است در میراث می‌باشد، آنهم بسبب اینکه مرد مسئولیت کامل کانون خانواده را به عهده دارد، و اوست که باید نفقه و هزینه تمامی افراد خانواده را تهیه نماید، گرچه زن او تاجر هم باشد، نفقه زن بر عهده مرد است. ولی با اینحال خواستیم با ترجمه کردن این احادیث که ویژه خواهران می‌باشد، خدمتی به آنها کرده باشیم و بدانند که به فراموشی سپرده نشده‌اند. امید است خداوند این عمل را خالص برای رضایت خود بگرداند، و از خوانندگان محترم التماس دعا داریم.

اسحاق دیبری

ریاض ذی حجه 1423هـ ق اسفند 1381هـ ش

مقدمه مؤلف

این مجموعه احادیث نبوی که متعلق به احکام شریعت است ویژه زنان می‌باشد، آنرا جمع کرده و ترتیب دادم و امیدوارم نفع آن به همگان برسد، کوشیدم که فقط چهل حدیث باشد آنهم بخاطر آسان بودن حفظ آن، و تأسی به علمای سابقین که در فنون مختلف چهل حدیث را جمع آوری می‌کردند، و آنرا ترتیب داده‌ام به روش کتاب و باب و تعداد آن به چهل و سه حدیث رسید، که بر خود لازم دانستم تا تمامی آن از احادیث شیخین (بخاری و مسلم) [متفق علیه] یا یکی از آنها، یا اینکه اهل و علمای حدیث حکم صحت و خوب به آن داده باشند.

به همین تعداد در شرح آن کتابی نوشته‌ام، از خداوند علی‌القدر خواهانم آنرا از من قبول فرماید، و به من پاداش نیک عطا فرماید، و از اشتباهاتم بگذرد و گناهانم را ببخشد، و نیتم را اصلاح نماید، و مرا در گفتار نیک و عمل صالح و دور از فتنه و آشوب بمیراند. آمین.

محمد بن شاکر الشریف

مکه‌ی مکرمه

روز پنج شنبه 1423/4/9هـ

[باب ماندن زن در خانه‌اش بهتر از خارج شدن از آن است، حتی اگر هم بسوی مسجد باشد]

1 - عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می‌کند که فرمودند: «لا تمنعوا نساءكم المساجد، وبيوتهن خير لهن»¹.
«زنان خود را از رفتن به مساجد منع نکنید، ولی خانه‌هایشان (برای نماز خواندن) بهتر (و ثواب بیشتر) از مساجد دارد».

[باب جایز بودن خروج زنان برای قضای حاجت خود]

2 - عائشه - رضی الله عنها - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می‌کند که فرمودند: «قد أُذن أن تخرجن في حاجتك»².
«برای قضای حاجات و برطرف کردن آن به شما اجازه خروج از خانه داده شده است».

[باب اینکه خروج زن از خانه باعث مفسده و فتنه خواهد شد]

3 - عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می‌کند که فرمودند: «إنَّ المرأةَ عورةٌ فإذا خرجت استشرفها الشيطان، وأقرب ما تكون من وجه ربها وهي في مقر بيتها»³.
«زن عورت است، و هنگامی که از خانه بیرون می‌رود شیطان او را زینت و آرایش می‌دهد، و نزدیکترین جا به خدایش درون خانه‌اش می‌باشد».

1 أبو داود وابن خزيمة.

2 متفق عليه.

3 صحيح. الترمذی وابن خزيمة، وابن حبان.

استشرفها الشیطان: او را در چشم های مردان زینت و آرایش می دهد تا به او نگاه کنند، تا آنها را فاسد کند.

[باب اینکه نباید زن از خانه اش بیرون رود مگر به اجازه شوهر، و اگر اجازه نداد درست نیست خارج شود]

4 - عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت می کند که: «كانت امرأة لعمر تشهد صلاة الصبح والعشاء في الجماعة في المسجد، فقيل لها: لِمَ تخرجين وقد تعلمين أنَّ عمر يكره ذلك ويغار؟ قالت: وما يمنعه أن ينهاني؟ قال: يمنعه قول رسول الله ص: لا تمنعوا إماء الله مساجد الله»¹.

یکی از زنان عمر - رضی الله عنه - نماز صبح و عشاء را در مسجد با جماعت ادا می کرد (در جماعت حضور می یافت)، پس به او گفته شد: چرا از خانه بیرون می روی (و نماز را با جماعت می خوانی) در حالیکه می دانی عمر از این کار خوشش نمی آید! در جواب گفت: چه چیز او را باز می دارد که مرا از این کار نهی کند؟ در جواب به او گفته شد: قول رسول الله - صلی الله علیه وسلم - که می فرماید: کنیزان خدا (زنان) را از رفتن به مساجد منع مکنید.

[باب منع کردن زن از استعمال عطر و بوی خوش هنگام بیرون رفتن او به سوی مسجد و غیر از مسجد]

5 - أبو موسى أشعري - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می کند که فرمودند: «إذا استعطرت المرأة فمرت على القوم ليجدوا ريحها فهي كذا

و کذا، قال قولاً شديداً، وفي لفظ: فهي زانية»¹.

اگر زن به خود عطر و بوی خوش زد و بر قومی (مردان) عبور کرد تا بوی او را بشنوند، پس او چنین و چنان است، سخنی بسیار شدید و غلیظی، و در لفظ دیگر: پس او زنا کار است.

باب منع کردن زنان از اظهار و آشکار نمودن زینت و آرایش هنگام بیرون رفتن از خانه]

6 - فضاله بن عبید - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می کند که فرمودند: «ثلاثة لا تسأل عنهم: رجل فارق الجماعة وعصى إمامه فمات عاصياً، وأمة أو عبد أبى من سيده فمات، وامرأة غاب عنها زوجها وقد كفها مؤونة الدنيا ففترجت بعده، فلا تسأل عنهم»².

سه نفر از آنها سؤال و پرسش مکن (که عذابشان شدید و دردناک است): مردی که از جماعت مسلمانان مفارقت کرد، و به امام و فرمانروای خود عصیان نمود، و در همان حالت فوت کرد، یعنی در حالت عصیان خود به امام فوت کرد. و کنیز و برده ای که از ارباب خود فرار کرده فوت می کند، و زنی که شوهرش غایب است در حالیکه از متاع و خوشی دنیا همه چیز برایش فراهم کرده سپس با اینحال تبرج می کند. پس دیگر از اینها سؤال و پرسش مکن که عذابشان دردناک است.

تبرج: آشکار کردن زینت و آرایش خود برای مردان.

1 حسن صحیح أخرجه أبو داود والترمذی والنسائی.

2 صحیح، أخرجه أحمد والبخاری في الأدب المفرد والحاكم.

[باب نهی و منع کردن زنان از سفر بدون محرم]

7 - عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می کند که فرمودند: «لا تسافر المرأة إلا مع ذي محرم، ولا يدخل عليها رجل إلا معها محرم، فقال رجل: يا رسول الله إني أريد أن أخرج في جيش كذا وكذا، وامرأتي تريد الحج، فقال: اخرج معها». [متفق علیه].

زن مسافرت نکند مگر اینکه با محرم خود باشد.

و هیچ مردی بر او داخل نشود، مگر اینکه با او محرم باشد، یکی از صحابه گفت: ای رسول خدا! من می خواهم با جیش و لشکر فلانی برای جنگ بروم، و زنم می خواهد به حج برود، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: با زن خود به حج برو.

[باب: اینکه بایستی در مسجد دروازه‌ای مخصوص و ویژه زنان باشد]

8 - نافع از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می کند که فرمودند: «لو تركنا هذا الباب للنساء، قال نافع: فلم يدخل منه ابن عمر حتى مات»¹.

اگر این دروازه را فقط برای زنان می گذاشتیم، (یعنی فقط ویژه زنان بود) نافع گوید: ابن عمر ك بعد از این سخن از آن دروازه داخل نشد تا اینکه فوت نمود.

[باب: برای زنان رفتن به وسط و میان راه جایز نیست]

9 - أبو أسيد الأنصاري - رضی الله عنه - - در حالی که از مسجد بیرون

1 حسن أخرجه أبو داود.

می‌رفت و مردان با زنان در راه با هم اختلاط می‌کردند و در هم می‌آمیختند - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - شنید که به زنان چنین فرمودند: «استأخرن فإنه ليس لكن أن تحققن الطريق، عليكم بحافات الطريق، فكانت المرأة تلتصق بالجدار حتى إن ثوبها ليلعلق بالجدار من لصوقها به»¹.

ای زنان کنار روید که برای شما به وسط راه رفتن جایز نیست، بر شماست که از کنار راه و جاده بروید، پس زن خود را به دیوار می‌چسباند تا اینکه لباسش به دیوار می‌چسبید، چون به شدت خود را به دیوار می‌چسباند تا برود.

[باب: طواف کردن زنان بدون اختلاط و آمیزش با زنان]

10 - عن ابن جريج قال أخبرني عطاء . إذ منع ابن هشام النساء الطواف مع الرجال . قال: كيف يمنعهن وقد طاف نساء النبي - صلی الله علیه وسلم - مع الرجال؟ قلت: أبعد الحجاب أو قبل؟ قال: أي لعمرى لقد أدركته بعد الحجاب، قلت: كيف يخالطن الرجال؟ قال: لم يكن يخالطن، كانت عائشة - رضي الله عنها - تطوف حجرة من الرجال لا تخالطهم².

(عبدالمملک) ابن هشام هنگام فرمانروائی خود طواف کردن زنان را با مردان منع کرد، گفت چگونه آنها را منع می‌کند در حالیکه زنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با مردان طواف می‌کردند، گفتم: این حادثه بعد از نزول حجاب (فرض شدن حجاب) بود (یعنی طواف کردن زنان با مردان)؟ گفت: ای والله من این را بعد از فرض شدن حجاب بر زنان) دیدم، گفتم: چگونه با مردان اختلاط می‌کردند؟ گفت: با مردان اختلاط نمی‌کردند، عایشه - رضي الله عنها - در حال طواف از یک کنار

1 حسن أخرجه أبوداود.

2 البخاری.

مردان رفته و طواف می‌کرد و با آنها اختلاط نمی‌کرد.

[باب: منع کردن مردان از داخل شدن به زنان نامحرم]

11 - عقبه بن عامر - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می‌کند که فرمودند: «إياكم والدخول على النساء، فقال رجل من الأنصار: يا رسول الله أفرأيت الحو؟ قال: الحو الموت»¹.

وای بر شما که بر زنان داخل شوید - با زنان خلوت کنید - مردی از انصار گفت: ای رسول الله ما را از دخول حمو با خبر کن؟ آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمود: الحمو: الموت، یعنی مرگ است.²

[باب: مجالس و کلاس درس مخصوص زنان در جای مستقل از مردان در وقت احتیاج به آن]

12 - أبو هريره - رضی الله عنه - روایت می‌کند که زنانی نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمدند و گفتند: «يا رسول الله ما نقدر عليك في مجلسك من الرجال، فواعدنا منك يوماً نأتيك، فقال: موعدكن بيت فلان، وأتاهن في ذلك اليوم ولذلك الموعد قال: فكان مما قال لهن يعني ما من امرأة تقدم ثلاثاً من الولد تحتسبهن إلا دخلت الجنة، فقالت امرأة منهن: أو اثنان قال: أو اثنان»³.

ای رسول خدا نمی‌توانیم در مجالس مردان شرکت کنیم، پس برای ما یک روز وعده بگذار تا در آن روز نزد تو بیاییم (برای کلاس درس)، رسول الله - صلی الله علیه وسلم -

1 متفق علیه.

2 حمو: یعنی مردی از نزدیکان شوهر.

3 صحیح، أخرجه أحمد وابن حبان.

علیه وسلم- در جواب فرمودند: وعده شما در خانه فلانی، و در همان روز در موعد گذاشته شده، آمد و از آنچه به زنان گفته بود این حدیث بود: هیچ زنی نیست که سه فرزند خود را از دست ندهد و اجر و پاداش را از خدا بخواهد، مگر اینکه به بهشت وارد می‌شود، زنی گفت: اگر دو فرزند باشد؟! فرمودند: اگر هم دو فرزند باشد.

[باب: جنازه را مردان حمل میکنند نه زنان]

13 - أبو سبيد الخدری - رضی الله عنه - روایت می‌کند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «إذا وضعت الجنازة واحتملها الرجال على أعناقهم فإن كانت سالحة قال: قدموني، وإن كانت غير سالحة قالت: يا ويلها أين يذهبون بها؟ يسمع صوتها كل شيء إلا الإنسان ولو سمعه لصعق»¹.

هنگامی که جنازه گذاشته می‌شود و مردان آنرا بر دوش خود حمل می‌کنند، اگر شخص صالح بود، می‌گوید: مرا بجلو ببرید، و اگر بدکار بود می‌گوید: وای بر او، او را به کجا می‌برید، همه چیز صدای او را می‌شنوند مگر انسان و اگر انسان صدای او را بشنود بیهوش می‌شود.

[باب: منع کردن زنان از دخول به استخر شنا و مانند آن]

14 - از أبو المليح الهذلي روایت است که بعضی از زنان شهر (حمص)² اجازه دخول به عایشه خواستند. عائشه گفت: ممکن است شما از کسانی باشید که

1 البخاری.

2 حمص: در حال حاضر یکی از شهرهای کشور سوریه می‌باشد.

به حمامهای عمومی (استخر شنا) داخل می‌شوند.

از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- شنیدم که می‌فرمود: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَضَعَتْ ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا فَقَدْ هَتَكَتْ سِتْرَ مَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ»¹.

هر زنی لباس خود را در غیر از خانه شوهرش بیرون آورد او ستر و پرده بین خود و بین خدا را پاره کرده است.

[نهی کردن زن از اینکه برهنه خود را به زن دیگری بچسپاند، و اینکه زن برای شوهرش زنان دیگر را توصیف نماید]

15 - عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- روایت می‌کند که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «لَا تَبَاشِرِ الْمَرْأَةَ الْمَرْأَةَ فَتَنَعْتَهَا² لَزَوْجِهَا، كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا»³.

نباید دو زن با جسمی برهنه به هم بچسبند، و آنرا برای شوهر خود توصیف ننمایند، چنانکه گویا شوهرش به طرف آن زن نگاه می‌کند.

[باب منع کردن زن از سخن در مقابل مردان نامحرم، مگر در وقت ضرورت]

16 - أبو هريره -رضی الله عنه- روایت می‌کند که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «التَّسْبِيحُ لِلرِّجَالِ، وَالتَّصْفِيقُ لِلنِّسَاءِ»⁴.

تسبیح گفتن برای مردان است، و دست به هم زدن برای زنان است.

1 صحیح أخرجه الترمذی وابن ماجه.

2 تباشر: جلد و جسم او به جلد و جسم زن دیگر بدون لباس (برهنه) برسد. تنعتها: توصیف نماید.

3 البخاری.

4 متفق علیه.

این موضوع در وقت نماز است که وقتی امام اشتباه کرد مردان می‌گویند: (سبحان الله) و زنان دو دست خود را به هم می‌زنند.

باب: حرام بودن نیاخت و واویلا هنگام فوت کردن شخص، و جایز بودن گریه

17 - أم عطية - رضي الله عنها - روایت می‌کند که: «أخذ علينا النبي - صلى الله عليه وسلم - عند البيعة أن لا ننوح، فما وقتت امرأة غير خمس نسوة»¹.
رسول الله - صلى الله عليه وسلم - هنگام بیعت با او، عهد و پیمان بست که بر شخص مرده نیاخت² نکنیم، و بجز پنج زن بقیه به این عهد و پیمان وفا نکردند.

باب: جایز بودن سلام مرد بر زن، و سلام زن بر مرد هنگامی که از فتنه ایمن باشد

18 - أسماء بنت أبي بكر - رضي الله عنها - روایت می‌کند که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - بر جمعی از زنان که در مسجد نشسته بودند عبور کرد و با دست خود بطرف ایشان اشاره به سلام نمود، و فرمود: «إياكن وكفران المنعمين، إياكن وكفران³ المنعمين»⁴.

بر حذر باشید از این که بر نعمت خدا کافر شوید، و آنرا دو بار تکرار نمودند.

1 متفق علیه.

2 النياحة: گریه و زاری با صدای بلند، و آنچه بدان ملحق می‌شود از به سر و صورت خود زدن، و جامه خود را پاره کردن و موی خود را تراشیدن، و غیر از اینها.

3 كفران: المنعمين: این که زن درباره شوهرش بگوید: بخدا سوگند یک ساعت هم از او خیری ندیدم.

4 صحيح أخرجه أحمد وأبو داود، والترمذی والبخاری في الأدب المفرد.

[باب: جایز بودن سخن گفتن مردان با زنان، و زنان با مردان هنگام ضرورت بدون هیچ شک و تردید]

19 - انس رضی الله عنه - روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم - بر زنی که بر قبری ایستاده و گریه می کرد عبور کرد و فرمود: «اتقي الله واصبري»¹.

تقوا پیشه کرده صبر کن.

[باب: جایز بودن اینکه زن خود را بر مرد صالح عرضه کرده و درخواست ازدواج با او کند]

20 - انس رضی الله عنه - روایت می کند که: «جاءت امرأة إلى رسول الله -صلى الله عليه وسلم- تعرض عليه نفسها، قالت: يا رسول الله ألك إلي حاجة؟ فقالت: بنت أنس: ما أقل حياءها واسوأها، قال: هي خير منك، رغبت في النبي -صلى الله عليه وسلم- فعرضت عليه نفسها»².

زنی آمد و خود را برای ازدواج با رسول الله عرضه نمود و گفت: آیا مرا برای ازدواج با خود می خواهی؟ دختر انس گفت: وای بر من، چقدر این زن بی حیا است، انس در جواب به دخترش گفت: این زن از تو بهتر است، او آرزوی ازدواج با پیامبر را داشت، و خود را به او عرضه نمود.

1 متفق علیه.

2 البخاری.

باب: اینکه زن را نباید مجبور کرد با کسی که او را نمی خواهد به ازدواج در آورد، و اگر ولی و سرپرست او بطور اجبار او را با کسی که نمی خواهد به ازدواج بیرون آورد، ازدواج او باطل است]

21 - عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - روایت می کند که: «أَنَّ جَارِيَةَ بَكْرًا أُتِيَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَذَكَرَتْ أَنَّ أَبَاهَا زَوَّجَهَا وَهِيَ كَارِهَةٌ، فَخَيَّرَهَا النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -»¹.

دختری باکره نزد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت که پدرش او را به ازدواج کسی در آورده که او را نمی خواهد و کراهت دارد، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - او را به اختیار خودش گذاشت.

یعنی به او اختیار داد که اگر بخواهد نزد او بماند، وگرنه او را ترک کند.

باب: جایز نیست که زن هنگام ازدواج شرط بگذارد که بعد از مرگ شوهرش ازدواج نکند]

22 - أم بشر گوید: «أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - خَطَبَ امْرَأَةَ الْبَرَاءِ بْنِ مَعْرُورٍ، فَقَالَتْ: إِنِّي شَرَطْتُ لَزَوْجِي أَنْ لَا أَتَزَوَّجَ بَعْدَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: إِنَّ هَذَا لَا يَصْلَحُ»².

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از زن البراء بن معرور خواستگاری کرد، زن در جواب گفت: من با شوهرم شرط بسته ام که بعد از مرگ او با دیگری ازدواج نکنم، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در جواب فرمود: این شرط جایز نیست.

1 صحیح أخرجه أبوداود وابن ماجه.

2 حسن أخرجه الطبرانی في المعجم الكبير والصغير.

[باب: حرام بودن اینکه زن از شوهرش بدون هیچ سبب طلاق یا خلع¹ بخواهد]

23 - ثوبان - رضی الله عنه - روایت می کند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ سَأَلَتْ زَوْجَهَا الطَّلَاقَ فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ، فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ»². هر زنی که بدون هیچ سبب از شوهرش طلاق بخواهد بوی بهشت بر او حرام خواهد بود، یعنی بهشت را نخواهد دید.

[باب: جایز بودن سرود دخترهای کوچک و دپ زدن هنگام عروسی و مانند این و گوش کردن مردها به آن]

24 - ربیع بنت معوذ روایت می کند که: «جاء النبي - صلی الله علیه وسلم - يدخل حين بُني عليّ، فجلس على فراشي كمجلسك مني، فحعلت جوپريات لنا يضرين بالدف ويندبن من قتل من آبائي يوم بدر إذ قالت إحداهن: وفينا نبي يعلم ما في غد، فقال: دعي هذه وقولي بالذي كنت تقولين»³.

وقتی عروسی کردم پیامبر آمد و چنانکه تو نشست نشستی، و بعضی از دخترهای (کوچک) برایمان دف زده و از پدرانمان که در غزوه بدر کشته شده بودند مرثیه می گفتند، و یکی از آن دختران گفت: و در بین ما پیامبری است که آنچه فردا خواهد بود می داند، آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمود: این جمله را بگذار و آنچه قبل از این می گفتی بگو، مقصود انکار از (غیب دانستن پیامبر - صلی الله علیه وسلم -)

1 خلع: طلاق دادن زن با گرفتن مالی از او، یا بخشیدن کابین خودش.

2 صحیح رواه أصحاب السنن.

3 البخاری.

وسلم - می باشد).

[باب: اینکه حق شوهر بر همسر خود بسیار است]

25 - از عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «لو كنت امرأةً أحداً أن يسجد لغير الله، لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها، والذي نفس محمد بيده لا تؤدي المرأة حق ربها حتى تؤدي حق زوجها، ولو سألها نفسها وهي على قنب¹ لم تمنعه»².

اگر امر می کردم که شخصی برای غیر از خدا سجده کند، امر می کردم که زن برای شوهر خود سجده کند، سوگند به کسی که جانم در دست اوست، زن حق خدا را ادا نمی کند [یعنی از او قبول نمی شود] تا اینکه حق شوهرش را ادا نماید، اگر از زن خود چیزی بخواهد، گرچه بر زین شتری هم باشد او را اجابت کرده و امتناع نمی ورزد.

[باب: فرشتگان زنی که در شب فراش شوهرش را ترک می کند او را لعنت می کنند تا اینکه صبح کند]

26 - أبوهريه - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می کند که فرمودند: «إذا باتت المرأة مهاجرة فراش زوجها، لعنتها الملائكة حتى ترجع»³.

1 قنب: زینی که بر کوهان (سنام) شتر گذاشته می شود، کنایه بر این است که فوراً امر او را اجابت می کند.

2 صحیح أخرجه أحمد وابن ماجه وابن حبان.

3 متفق علیه.

اگر زن فراش شوهرش را ترک کند، فرشتگان همچنان او را لعنت می‌کنند تا اینکه به فراشش باز گردد.

[باب: تحریم کفران العشیر (کفر ورزیدن به نعمتهای شوهر)]

27 - عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - روایت می‌کند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «أُرِيتِ النَّارَ، فَإِذَا أَكْثَرُ أَهْلِهَا النِّسَاءُ، يَكْفُرْنَ قِيلَ: أَيْكَفُرْنَ بِاللَّهِ؟ قَالَ: يَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ، وَيَكْفُرْنَ الْإِحْسَانَ، لَوْ أَحْسَنْتَ إِلَى إِحْدَاهُنَّ الدَّهْرَ ثُمَّ رَأَتْ مِنْكَ شَيْئاً قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْراً قَطُّ»¹.

آتش جهنم به من نشان داده شد، و دیدم که بیشترین اهل و مردمان آن زن‌ها را تشکیل می‌دهند، چون کفر می‌ورزند، گفته شد: به خدا کفر می‌ورزند؟ فرمود: به شوهر خود کفر می‌ورزد، و به نیکیه‌ای او کفر می‌ورزند، اگر به یکی از آنها یک دنیا نیکی و خوبی بکنی، و یک خطا و اشتباه و بدی از تو ببیند، می‌گوید: هرگز و هیچ خیری از تو ندیده‌ام.

[باب: اگر شوهر همسر خود را به معصیت و گناهی دعوت نمود، باید زن از آن گناه اجتناب ورزیده و دعوت او را قبول نکند]

28 - از عائشه - رضی الله عنها - روایت است که: «أَنَّ امْرَأَةً مِنَ الْأَنْصَارِ زَوَّجَتْ ابْنَتَهَا، فَتَمَعَطَ شَعْرَ رَأْسِهَا، فَجَاءَتْ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَذَكَرَتْ ذَلِكَ لَهُ، فَقَالَتْ: إِنَّ زَوْجَهَا أَمَرَنِي أَنْ أَصِلَ فِي شَعْرِهَا، فَقَالَ: لَا، إِنَّهُ قَدْ لَعَنَ الْمُوصَلَاتِ»²³.

1 متفق علیه.

2 موصلات: کسانی که مو را به موی دیگر می‌رسانند و متصل می‌کنند.

3 متفق علیه.

زنی از انصار دخترش را به ازدواج یکی بیرون آورد، و موهای سرش افتاد، و به نزد پیامبر -صلی الله علیه وسلم- آمد و جریان را به او عرض نمود، و گفت: شوهرش به من امر کرده که برای او موهای دیگری (باروکه) بیاورم، آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- فرمودند، خیر اینکار مکن، چون کسانی که مو را وصل می کنند، لعنت شده اند.

[باب: اینکه جایز نیست که زن از مال خود هدیه دهد مگر به اجازه شوهرش]

29 - رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «لا يجوز للمرأة أمر في مالها إذا

ملك زوجها عصمتها»¹.

جایز نیست که زن وقتی شوهر کرد از مال خود هدیه کند مگر با اجازه

شوهرش².

1 صحیح أخرجه أحمد والحاكم والنسائي وابن ماجه. وزاد: «إلا بإذن زوجها»، والنسائي بلفظ «هبة»، ولفظ: «عطية»، بدلاً من «أمر».

2 در کتاب (عون المعبود شرح سنن أبي داود 462/9-463) در شرح حدیث بطور خلاصه چنین آمده:

مقصود از مال خود، چون عقل و خرد زنان کم است، ناقص العقل هستند، پس نباید در مال خود تصرف کند مگر با مشورت شوهر خود، آنهم از باب ادب و استحباب، پس اینجا نهی تنزیهی است، نه تحریمی، این قول بعضی از علماست.

علماء دیگر من جمله: الليث بن سعد گفته اند: این بطور مطلق است، پس اگر هم زن رشید و عاقل باشد برایش جایز نیست که در مال خود تصرف کند نه در مقدار ثلث آن و نه هم کمتر مگر اینکه مال ناچیزی باشد طاووس و مالک گفته اند که: جایز است که به اندازه ثلث و کمتر از آن صدقه دهد، اما بیشتر از آن باید با اجازه شوهر باشد.

[باب: خدمتکاری زن به شوهر و کسانی که شوهر سرپرستی آنها را به عهده دارد]

30 - جابر بن عبدالله - رضی الله عنه - گوید: «هَلِكْ أَبِي وَتَرَكَ سَبْعَ بَنَاتٍ أَوْ تَسْعَ، فَتَزَوَّجْتَ امْرَأَةً ثِيْبًا فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-: تَزَوَّجْتَ يَا جَابِرُ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: بَكَرًا أَمْ ثِيْبًا؟ قُلْتُ: بَلْ ثِيْبًا، قَالَ: فَهَلَا جَارِيَةٌ تَلَاعِبُهَا وَتَلَاعِبُكَ، وَتَضَاهِكُهَا وَتَضَاهِكُكَ؟ قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ هَلِكٌ وَتَرَكَ بَنَاتٍ، وَإِنِّي كَرِهْتُ أَنْ أَجِئَهُنَّ بِمِثْلِهِنَّ، فَتَزَوَّجْتَ امْرَأَةً تَقُومُ عَلَيْهِنَّ وَتُصَلِّحُهُنَّ، فَقَالَ: بَارَكَ اللَّهُ لَكَ، أَوْ خَيْرًا»¹.

پدرم فوت کرد و هفت یا نه دختر بجا گذاشت، و من با زنی ثیبه (بیوه) ازدواج کردم، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به من گفت: ای جابر! آیا ازدواج کرده ای؟ گفتم: بلی، آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- فرمود: باکره یا ثیبه (با دختر و یا با زن)؟ گفتم با ثیبه، فرمود: آیا با دختری ازدواج نکردی که با او بازی کنی و او با تو بازی کند، و با او بخندی، و او با تو بخندد؟ جابر: به آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- گفتم: عبدالله (پدرم) فوت کرد و دخترها را بجا گذاشت، و کراحت داشتم که مانند آنها با دختری ازدواج کنم، پس با زنی ازدواج کردم تا سرپرستی آنها را به عهده بگیرد، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: خدا به تو برکت

و جمهور علماء گفته اند که: جایز است که بطور مطلق و قطعی در مال خود تصرف کند بدون اجازه شوهر در مال خود تصرف کند، اگر نادان و ناخرد نباشد، و گرنه جایز نیست.

و در حدیث دیگری آمده که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- وقتی برای زنان خطبه ویژه ای خواند فرمود: صدقه بدهید: زن گوشواره و انگشتر خود را می انداخت و بلال -رضی الله عنه- آنرا در جامه ی خود جمع می کرد، و این دلالت بر این دارد که بدون اجازه شوهر بوده است.

1 متفق علیه.

دهد، یا فرمود: خوب کردی.

[باب: واجب بودن نفقه زن و فرزندان بر شوهر]

31 - عائشه - رضی الله عنها - روایت می کند که: «أَنَّ هِنْدًا بِنْتَ عَتَبَةَ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَبَا سَفْيَانَ رَجُلًا شَحِيحًا، وَلَيْسَ يُعْطِينِي مَا يَكْفِينِي وَوَلَدِي إِلَّا مَا أَخَذْتُ مِنْهُ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ، فَقَالَ: خُذِي مَا يَكْفِيكَ وَوَلَدُكَ بِالْمَعْرُوفِ»¹.

هند دختر عتبه گفت: ای رسول الله! ابوسفیان مرد بخیلی است، و به من چیزی که کفایت خود و فرزندم باشد نمی دهد، مگر آنچه که من بدون علم او از او بگیرم، و او نداند.

حضرت -صلی الله علیه وسلم- فرمود: آنچه که برای خود و فرزندان کفایت کند بطور معروف (عدم اسراف) از او بگیر، (و مهم نیست که او نداند).

[باب: تحریم تغییر دادن خلق و آفریده خدا برای خوشگلی و زینت و آرایش]

32 - از عبدالله بن مسعود -رضی الله عنه- روایت است که گفت: «لَعَنَ اللَّهُ الْوَاشِمَاتِ وَالْمُسْتَوْشِمَاتِ، وَالنَّامِصَاتِ وَالْمُتَمَلِّجَاتِ لِلْحَسَنِ الْمَغِيرَاتِ خَلْقَ اللَّهِ، مَا لِي لَا أَلْعَنُ مَنْ لَعَنَ النَّبِيُّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-، وَهُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ: (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا)»².

خداوند خالکوب و خالکوب کننده و نامص (باریک کردن ابرو، و کسیکه برای دیگری اینکار را انجام می دهد) و کسانی که بین دندانهای خود فاصله قرار می دهند،

1 متفق علیه.

2 متفق علیه.

و می‌گشایند (برای زیبایی) و اینها همه از تغییر خلق و آفریده خداست، لعنت کرده است، پس چرا من کسانی که پیامبر آنها را لعنت کرده، لعنت نکنم، و آنهم در کتاب خداست که می‌فرماید: آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و آنچه نهی کرده خوداری نمائید، و از (مخالفت) خدا پرهیزید.

[باب: منع کردن زن از پوشیدن لباسهای تنگ که حجم جسم را نمایان می‌کند، و از لباسهای شفاف که جسم را آشکار می‌نماید، و از لباسهای کوتاه که تمامی جسم را نمی‌پوشاند، و از جمع کردن مو بر بالای سر (کاکل) و حرام بودن همه اینها]

33 - أبوهریره - رضی الله عنه - روایت می‌کند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مميلات مائلات رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة، لا يدخلن الجنة ولا يجدن ريحها، وإن ريحها ليوجد من مسيرة كذا وكذا»¹.

دو صنف از اهل آتش اند که آنها را ندیده‌ام، مردمانی هستند که تازیانه دارند مانند دم گاو، با آن به مردم می‌زنند، و زنانی هستند برهنه و عریان که لباسهای تنگ و شفاف و کوتاه بر تن می‌کنند، و از طاعت و فرمان خدا منحرف اند، و زنان دیگر را بطرف خود کشانده فاسد می‌کنند، و (موی) سرشان مانند سنام و کوهان شتر است که به اینطرف و آنطرف می‌رود، اینها به بهشت داخل نمی‌شوند، و بوی بهشت هم به مشامشان نمی‌رسد، در حالیکه بوی بهشت از مسافت چنین و چنان به مشام

می‌رسد.¹

[باب: نهی کردن زن از رساندن موهای غیر، و موهای جعلی آوردن و زیاد کردن مو با آن موهای دروغین و بیان اینکه این عمل از اخلاق یهودیان است]

34 - سعید بن المسیب - رحمه الله - گوید: معاویه - رضی الله عنه - به مدینه آمد و خطبه خواند و کبه‌ای از مو بیرون آورد و گفت: فکر می‌کردم بجز یهود کسی دیگر اینکار را نمی‌کند، به رسول الله - صلی الله علیه وسلم - این کار (رسیدن مو به موی سر زن) رسید، و آنرا جعلی و زور نامید.

کبه: موی روی هم ریخته.

و در روایتی: «أَنَّ معاوية قال ذات يوم: إِنَّكُمْ قَدْ أَحْدَثْتُمْ زِي سَوْءٍ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- نَهَى عَنِ الزَّوْرِ، قَالَ: وَجَاءَ رَجُلٌ بَعْضًا عَلَى رَأْسِهَا خُرْقَةٌ، قَالَ معاوية: أَلَا وَهَذَا الزَّوْرُ، قَالَ قَتَادَةُ (الرَّوَايَةُ عَنْ سَعِيدٍ) يَعْنِي مَا تَكْثُرُ بِهِ النِّسَاءُ أَشْعَارَهُنَّ مِنَ الْخُرْقِ»².

روزی معاویه - رضی الله عنه - گفت: بین شما لباسی بدی ظاهر شده و پدید آمده، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از دروغ و باطل نهی کرده است، ابن المسیب

1 در روایتی است که بوی بهشت از مسافت چهل سال به مشام می‌رسد.

کاسیات: زنی که لباسهای تنگ و شفاف و کوتاه می‌پوشد.

مائلات: از طاعت و فرمان خدا منحرف هستند.

ممیلات: غیر از خود زنان دیگر را بطرف خود و عمل خود می‌کشانند (و فاسد می‌کنند).

البخت: نوعی از شتر است که کوهان و سنام بزرگ دارد.

السنام: کوهان شتر.

2 مسلم.

گوید: در این حال مردی وارد شد و عصایی داشت و بر سر و نوک عصا تکه پارچه ای بود، معاویه گفت: این همان زور و جعلی و دروغ و باطل است.
قتاده راوی حدیث از سعید بن المسیب گفت: یعنی آنچه زنان به موهای خود از تکه پارچه ها وصل می کنند.

[باب: نهی زنان در جعلی کردن لباس و تظاهر به آنچه به آنها داده نشده]

35 - از عائشه -رضی الله عنها-: «أَنَّ امْرَأَةً قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقُولُ إِنَّ زَوْجِي أَعْطَانِي مَا لَمْ يَعْطَنِي؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-: الْمَتَشِيعُ بِمَا لَمْ يَعْطِ كَلَابِسَ ثَوْبِي زُورٌ»¹.
زنی به رسول الله -صلی الله علیه وسلم- گفت: (به زن شوهرم می گویم) که شوهرم به من (این و آن) را داده، در حالیکه در حقیقت چیزی به من نداده، (کنایه از افتخار کردن مقابل زن شوهر)، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: تظاهر کننده به آنچه به او داده نشده مانند کسی است که لباس دروغین پوشیده².

1 متفق علیه.

2 در فتح الباری شرح صحیح البخاری 9/ 317-318 آمده که: تظاهر کننده به آرایش و زینت به آنچه نزد او نیست، مانند زنی است که نزد مردی است، و این مرد زن دیگری دارد، پس این زن نزد زن دیگر ادعا و افتخار می کند من نزد شوهرم چنین و چنان هستم (کنایه از اینکه مرا بیشتر دوست دارد و به من چیزها می دهد) و نزد او مقام و منزلتی خیلی خوب دارم، می خواهد که زن دیگر را به خشم و غضب بیاورد.

وقول: (کلابس ثوبی الزور): مانند مردی است که لباس زاهدان و پارسایان و پرهیزکاران می پوشد، و به مردم نشان می دهد که از جمله آنهاست، ولی در حقیقت امر چنین نیست.
و امام خطابی می گوید: مقصود از لباس مَثَل است، و معنای آن این که دروغگو است.

باب پوشیدن زنان کفشهای بلند و بیان اینکه این عمل از کردار زنان یهود است

36 - أبو سعید الخدری - رضی الله عنه - از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - روایت می کند که فرمودند: «كانت امرأة من بني إسرائيل قصيرة تمشي مع امرأتين طويلتين فاتخذت رجلين من خشب، وخاتماً من ذهب مُغلق مُطَبَّق ثم حشته مسكاً، وهو أطيب الطيب، فمرت بين امرأتين فلم يعرفوها، فقالت بيدها هكذا، ونفض شعبة (أحد الرواة) يده»¹.

زنی از زنان بنی اسرائیل کوتاه قد بود، و با دو زن بلند قد می رفت، این زن دو پای تخته ای و یک انگشتر از طلا که بسته بود برای خود گرفت و آنرا پر از عطر مشک نمود، و مشک از بهترین عطرهاست، پس بین آن دو زن بلند قد رفت و آنها او را نشناختند، و زن با دست خود بطرف آنها اشاره کرد.²

باب: نهی کردن زن از اینکه موی سر خود را در حج و غیر از حج بتراشد

37 - از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «ليس على النساء الحلق، إنّما على النساء التقصير»³.

بر زنان تراشیدن سر جایز نیست، بلکه بر آنها جایز است که موهای خود را

1 مسلم.

2 در شرح امام نووی بر صحیح مسلم 9/15 چنین آمده: حکم این عمل که زن انجام داد در شریعت اسلام اگر قصد و نیت او خوب باشد مانند اینکه پوشیدن خود را بخواهد تا اذیت و آزار نبیند، جایز است، اما اگر قصد افتخار و تکبر و تشبه به کسانی که کامل هستند و بلند قد می باشند را داشته باشد، و مردان را گول بزند که او بلند قد است، این عمل حرام است.

3 حسن أخرجه أبوداود والدارقطني والطبرانی وأخرجه الترمذی والنسائی من حدیث علی - رضی الله عنه -.

کوتاه کنند.

[باب: رنگ کردن دستها و پاهای زن]

38 - از عائشه رضی الله عنهما - روایت است که: «أومت امرأة من وراء ستر ببدها كتاب إلى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فقبض النبي - صلى الله عليه وسلم - يده، فقال: ما أدري أيد رجل أم يد امرأة قالت: بل امرأة، قال: لو كنت امرأة لغيرت أظفارها، يعني بالحناء»¹.

زنی با دست خود از پشت پرده و حجاب نامه‌ای را به رسول الله -صلی الله علیه وسلم- داد، آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- دست خود را کشید، و آنرا نگرفت، و فرمود: نمی‌دانم این دست مردی است یا دست زن، زن گفت: بلکه دست زن است، آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- در جواب فرمود: اگر دست زن بود ناخنهای خود را با حنا تغییر می‌داد.²

[باب: پوشاندن زن صورت خود را در حضور مردان نامحرم، ولی اگر مرد نامحرم نبود جایز است صورت خود را نمایان کند]

39 - از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله -صلی

1 حسن أخرجه أبوداود والنسائي.

2 کنایه بر انکار آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- بر زن است که چرا ناخنهای خود را با حنا رنگ نکرده، چون آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- ندانست که این دست زن است یا دست مرد، به همین سبب دست خود را کشید و نامه را نگرفت که مبادا دست زن باشد، و او -صلی الله علیه وسلم- با زنان دست نمی‌گیرد، و بیعت با دست نمی‌کند، بلکه بیعت او با زنان با سخن است.

الله علیه وسلم - فرمودند: «لا تنتقب المرأة المحرمة ولا تلبس القفازين»¹.

زنی که در احرام است صورت خود را با نقاب و روبند نپوشاند، و همچنین دست کش دست نکند.²

[باب: برای زن پوشیدن لباس حریر (أبریشم) و طلا جایز است]

40 - از أبو موسی الأشعری - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی

الله علیه وسلم - فرمودند: «حرم لباس الحریر والذهب علی ذکور أمتی، وأحل لئنائهم»³.

پوشیدن لباس حریر و طلا برای مردان امت من حرام شده است، و برای زنان حلال است.

[باب: پوشیدن لباس معصر و مانند آن برای زنان مباح است]

41 - عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهما - روایت می کند که: «رأی

النبي - صلی الله علیه وسلم - عليّ ثوبين معصرين فقال: أأمك أمرتك بهذا؟ قلت: أغسلهما، قال: بل أحرقهما»⁴.

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دو لباس معصر⁵ را بر تن من دید، و فرمود:

1 البخاری.

2 این در هنگام احرام و نبودن مرد نامحرم است، و اگر مرد نامحرم حضور داشته باشد بایستی زن صورت خود را بپوشاند، حال در لباس احرام باشد و یا خیر.

3 حسن صحیح أخرجه أحمد والترمذی والنسائی.

4 مسلم.

5 الثوب المعصر: لباسی که با عصفر رنگ شده است.

العصفر: گیاهی است که در زمین عرب است و با آن رنگ می کنند، و دو رنگ است سرخ و زرد.

مادرت بتو امر کرده که اینرا بپوشی؟ (یعنی این عمل را انکار کرد)، گفتم: آنرا می‌شویم؟ فرمود: بلکه آنرا بسوزان.

[باب: بر حذر داشتن زنان از نمایان کردن زینت و آرایش خود برای مردان نامحرم، طلا و لباسی که با رنگ (معصفر) سرخ و زرد و مانند آن باشد]
42. از ابوهریره -رضی الله عنه- روایت است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «ویل للنساء من الأحمرین الذهب والمعصفر»¹.

وای بر زنانی (که دو چیز سرخ را برای مردان اجانب و نامحرم نمایان می‌کنند) طلا و لباس سرخ رنگ خود را.

[باب حرام بودن تشبیه زن با مردان در لباس و حرکت و سخن و مانند اینها]
43 - عبدالله بن عباس -رضی الله عنهما- روایت می‌کند که: «لعن رسول الله -صلی الله علیه وسلم- المتشبهین من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال»².
پیامبر -صلی الله علیه وسلم- زنانی که خود را به مردان همانند می‌کنند، و مردانی که خود را به زنان همانند می‌کنند لعنت فرموده است.
والحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات، وصلى الله على محمد وآله وصحبه وسلم.

أمك أمرتك: امام نووی گوید: معنای این جمله این است که: این لباس زنانه است.

1 إسناده جيد، أخرجه ابن حبان والبيهقي في شعب الإيمان.

2 البخاری.